



۴۰ نسخه خطی صحیفه سجادیه سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی بخش ترویج صحیفه سجادیه‌سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم رونمایی شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی وافی، مدیر بخش ترویج صحیفه سجادیه نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در مراسم

رونمایی از این مجموعه گفت: این مجموعه که به همت گروهی از محققان، از مجموعه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان گردآوری و در قالب عکس کتاب‌های خطی صحافی شده، ظرفیت خوبی برای فعالیت‌های مختلف در حوزه نسخه‌شناسی صحیفه سجادیه و بررسی

رونمایی از ۴۰ نسخه خطی صحیفه سجادیه در نمایشگاه قرآن

نکته‌ها

آیت‌الله جعفر ناصری

برای درک حقیقت لیلله القدر مواظب چشم‌هایت باش!

مرحوم آیت‌الله مولوی قندهاری می‌فرمودند: یک مدتی حرم امام رضا(ع) می‌رفتم و عرض می‌کردم باین رسول الله! من می‌خواهم حقیقت لیلله‌القدر را بفهمم.

در همان ایام یک بار حین زیارت امام رضا(ع) حس کردم از داخل ضریح مطلبی به قلمب الهام شد که: «اگر می‌خواهی حقیقت لیلله‌القدر را درک کنی، مواظب چشم‌هایت باش»، ایشان می‌فرمودند: من خیلی مواظبت کردم تا حدی که حتی در آن ایام به مادرم هم نگاه نمی‌کردم و متوجه شده

اختلاف نسخه، برای محققان و علاقه‌مندان به نسخه‌های خطی فراهم کرده‌است. به گفته مدیر بخش ترویج صحیفه سجادیه سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، قدیمی‌ترین نسخه صحیفه سجادیه که در سال ۴۱۶ هجری قمری نگاشته شده، هم اکنون در گنجینه کتاب‌های خطی

بودم صور افراد در چشم من نباید بیفتد. بعد می‌گفتند وقتی این حالت غض بصر برایم ملکه شد، شب قدر آن سال که در حرم امام رضا(ع) بودم؛ لیلله‌القدر و قدرت لیلله‌القدر را یافته‌م که قضیه‌ای چه قرار است و غیر آنچه هست که دیگران تصور می‌کنند.

بومد صور افراد در چشم من نباید بیفتد. بعد می‌گفتند وقتی این حالت غض بصر برایم ملکه شد، شب قدر آن سال که در حرم امام رضا(ع) بودم؛ لیلله‌القدر و قدرت لیلله‌القدر را یافته‌م که قضیه‌ای چه قرار است و غیر آنچه هست که دیگران تصور می‌کنند.

آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. وافی گفت: علاوه بر آن، قدیمی‌ترین دیوان اشعار که در آن از صحیفه کامله نام برده‌ است، دیوان اشعار مسعود سعد سلمان است که براساس برخی شواهد در سال‌های انتهایی قرن پنجم یا اوایل قرن ششم سروده‌ است.

فکر مصیبت

این همان رمضانی است که به من خبر داده‌اند

آیت‌الله حاج آقا مر تضی تهرانی۱ مرحوم آقاشیخ عباس نوشته شب سیزدهم آن ماه مبارکی که حضرت به ضربت ابن ملجم مبتلا شد، ایشان بالای منبر بود و دو فرزندش هم دست راست و دست چپ منبر نشسته بودند، رویش را سمت امام مجتبی(ع) کرد و فرمود: یا ایام‌محمد، چند روز از ماه رمضان گذشته‌است؟ عرض کرد: ۱۳ روز. رویش را به این طرف و به سوی امام حسین(ع) کرد و گفت: چقدر دیگر باقی است؟ به پدر عرض کرد: ۱۷ روز. فکری کرد و گفت: این همان ماه رمضانی است که

به من خبر داده‌اند.

آن ماه رمضان برای افطار، هر شب منزل یکی از فرزندانش می‌رفت. شب نوزدهم منزل ام‌کلثوم بود. ام‌کلثوم خودش می‌فرماید: پدرم آمد و به نماز ایستاد، تصریح‌نکرده غروب آمده یا مغرب، ولی این عبارت دلالت دارد دیگر به نشستن نرسید، آمد و وضو هم داشت، شروع کرد به نماز خواندن.

می‌گوید: من هم یک سفره برای پدرم حاضر کردم، در این سفره نان و یک ظرف شیر و یک ظرف نمک گذاشتم، نماز پدرم تمام شد، تعارف کردم و گفتم: بفرمایید افطار کنید. آمد و همین که چشمش به این سفره افتاد، فرمود: دخترم، تو تا به حال کی دیده بودی من سر سفره‌ای بنشینم که سه تا خوراکی در آن باشد؟ نان و شیر و نمک. ام‌کلثوم می‌گوید: من چیزی نگفتم و خواستم نمک را بردارم، گفت: نه! نمک را برندار، شیر را بردار.

دست خود را به نمک و سپس به زبانش زد و یک تکه از نان برداشت و در دهانش گذاشت. دو یا سه تکه برداشت و خورد، کنار رفت. دوباره به نماز مشغول شد.

گفتم: پدرجان، آخر با سه تکه نان افطار می‌کنید؟ شماروزه بوده‌اید. فرمود: می‌خواهم خدا را ملاقات کنم در حالی که معده من از غذا پر نباشد. ناله ام‌کلثوم بلند شد.

عرض کرد: پدر این چه فرمایشی بود کردی؟ فرمود: دیگر از دهانم خارج شده، کار تمام است. دورکت نماز می‌خواند و از اتاق بیرون می‌رفت و به ستاره‌ها نگاه می‌کرد، می‌فرمود امشب همان شبی است که به من وعده داده‌اند. دروغ نمی‌گویم و دروغ نگفته آن کسی که به‌من گفته.

ببینید ام‌کلثوم وقتی این فرمایشات را از پدر می‌شنود چه حالی پیدا می‌کند.



به گزارش خبرگزاری تسنیم، سحرگاه نوزدهم ماه مبارک رمضان سال ۴۰ هجری قمری مصادف با یکی از تلخ‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام است که طی آن، امیرالمؤمنین(ع) در محراب نماز واقع در مسجد کوفه توسط عنصری از خوارج به نام ابن ملجم -لعنة‌الله علیه- به شهادت رسید.

درباره وقایع مربوط به شهادت این امام بزرگوار، نقل‌های تاریخی و روایی متعددی در منابع وجود دارد. در ادامه، به برخی از این رویدادها از اخبار غیبی امیرالمؤمنین(ع) تا بستر شهادتشان اشاره می‌شود.

پرده‌اول- میهمان دختر

شیخ عباس قمی در منتهی‌الآمال در توصیف شب ضربت خوردن امیرالمؤمنین(ع) می‌نویسد: امام آن شب در منزل دخترش ام‌کلثوم میهمان بود. ام‌کلثوم می‌گوید: پدرم با نگاه به آسمان می‌فرمود: «به خدا سوگند این همان شبی است که محبوبم و آموزگارم به من وعده داده‌است. به خداوند سوگند، هرگز دروغ نگفته‌ام و از رسول خدا(ص) دروغ نشنیده‌ام، همانا امشب آن شبی است که به من وعده شهادت داده شده‌است». آن‌گاه فرمود: «پیامبر را در عالم رؤیا دیدم که به من فرمودند: «یا اباالحسن! اِنِّکَ قادمٌ اِلَینَا عَن قَریبٍ»؛ علی‌جان به زودی میهمان ما خواهی بود». این توصیف نشان می‌دهد وعده شهادت آن حضرت سال‌ها پیش از آن داده شده بود.

پرده دوم- در محراب

علامه مجلسی می‌نویسد: رَأَیْنَا فِی بَعْضِ الْکُتُبِ الْقَدِیمَةِ رِوَايَةً فِی کَیْفِیَّةِ شَهِادَتِهِ؛ در یکی از کتب قدیمی روایتی را در کیفیت شهادت امیرالمؤمنین(ع) دیدم. در این روایت پس از اینکه ضربت خوردن امیرالمؤمنین(ع) را بیان می‌کند، ادامه می‌دهد: حضرت فرمود «به خدا سوگند مرا ابن ملجم ملعون یهودی زاده به قتل رساند. مردم امیرالمؤمنین(ع) را دوره کردند در حالی که حضرت در محرابش به شدت ضربه خورده بود و خاک را برمی‌داشت و بر موضع ضربت قرار می‌داد؛ سپس آیه‌۵۵ سوره طه را تلاوت فرمود: مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَ فِیْهَا نُعِیدُکُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً أُخْرٰی؛ از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم». سپس فرمود امر خداوند فرا رسید و

رسول خدا(ص) راست گفت.

پرده سوم- پدر در آغوش پسر

علامه مجلسی در بحارالانوار به نقل از لوط بن یحیی، از اساتیدش روایت کرده: چون امام(ع) ضربت را حس کرد، ننالید، صبر کرد و به حساب خدا و اجر او گذاشت و به رو افتاد در حالی که کسی نزد او نبود، می‌گفت: «بسم الله و بالله و علی ملّة رسول الله»، سپس فریاد کشید: «ابن ملجم، مرا کشت، به‌خدای کعبه، ابن ملعون یهودی زاده مرا کشت. ای مردم، ابن ملجم از دستان نگریزد...؛ هنگامی که مردم صدای ضجه را شنیدند، هر که در مسجد بود به سمت او دوید. همه می‌چرخیدند و از شدت و وحشت فاجعه



نمی‌دانستند کجا می‌روند. دور علی(ع) را گرفتند، در حالی که سرش را با پارچه می‌بست و خون بر صورت و محاسنش جاری بود و محاسنش به خونش رنگین شده بود و می‌فرمود: «این، همان است که خدا و پیامبرش وعده داده بودند و خدا و رسول(ص) راست گفتند...». مردم وارد مسجد جامع کوفه شدند. امام حسن(ع) را دیدند که سر پدرش بر دامنش است، خون‌ها را شسته و جای ضربت را بسته، اما همچنان از آن خون بیرون می‌زند. رنگ چهره امام هرچه بیشتر سفید متمایل به زرد می‌شود، با گوشه چشم به آسمان می‌نگرد و زبانش به تسبیح خدا و توحید او گویاست و می‌گوید: «از تو می‌خواهم، ای خدای بلندمرتبه‌تر!».

احمد ابوالقاسمی:

«محفل» فعالیت قرآنی را از انحصار خارج کرد



وجه اشتراک تمام شبکه‌های اختصاصی صداوسیما باید قرآن باشد

وی ادامه داد: همیشه یکی از معترضان جداسازی شبکه‌های اختصاصی از این نوع بودم. قرآن برای همه است. خوب است شبکه تخصصی ورزش یا شبکه تخصصی سلامت داشته باشیم ولی قرآن خیر. می‌توانیم شبکه تخصصی قرآن هم داشته باشیم. به شرطی که شبکه‌های دیگر از وظیفه برنامه‌سازی قرآنی خود غافل نباشند که در برنامه محفل این اتفاق افتاد. در چند سال گذشته هم شبکه یک، برنامه ترنم را ساخت که خیلی مورد استقبال قرار گرفت و امسال شبکه سه این کار را انجام داد. این نشان می‌دهد ورزشکار ما که مخاطب شبکه تخصصی ورزش است هم نیازمند نکات قرآنی و معنوی است.

این استاد برجسته تلاوت قرآن اضافه کرد: کسانی که پیگیر مطالب اختصاصی سلامت، اقتصاد و یا غیره هستند نیازمند بهره‌بردن از نکات قرآنی نیز هستند. تخصصی شدن شبکه‌ها باید نظامی داشته باشد که افراد یک‌سویه بار نیایند. وجه مشترک تمام شبکه‌های اختصاصی ما باید قرآن باشد. به نظر می‌رسد این امر در این برنامه تجربه شد. کارشناس برنامه قرآنی «محفل» در پاسخی به این پرسش که آیا از سوی جامعه قرآنی یا چنین برنامه‌هایی با این سبک و سیاق مخالفت می‌شود یا نه، گفت: من مخالفت جدی ندیدم تنها واکنش‌هایی بسیار اندک را مشاهده کردم که با توضیح به آن‌ها برخی ابهامات برطرف شد. به عنوان کسی که تماس داشتم ۹۰ درصد جامعه قرآنی از پخش ویرپایی چنین برنامه‌ای راضی و موافق بودند، بعضی‌ها هم که مخالفت کردند بعضاً از بی‌اطلاعی بوده و زمانی که موردی و تک‌تک توضیح دادم توجیه شدند. تنها سه چهار مورد خوششان نیامد. به معنای واقعی کلمه منصفانه نگاه می‌کنم، چرا که اگر به عنوان کارشناس، غیرمنصفانه در خصوص مسائل قرآنی صحبت کنم کسی اعتماد نخواهد کرد. با بزرگان قرآنی که تماس داشتم بیشترشان نظرشان جلب شده و عالی بودن برنامه را متذکر شدند.

این برنامه ثابت کرد چقدر جامعه قرآنی شاد است

وی با بیان نقش و تأثیر چنین برنامه‌هایی در گسترش فرهنگ قرآنی گفت: شاد بودن در این برنامه شائبه‌ای را در جامعه از بین برد. ما همیشه از سمت مردم با این سؤال روبه‌رو بودیم که آیا جامعه قرآنی توانایی خندیدن دارد؟ در حالی‌که یک مؤمن واقعی شادی‌اش مستدام است و لحظه‌ای نیست. چون اهل ذکر است و «الا یذکر الله تطمئن القلوب» قلبش اطمینان دارد و می‌داند معادلات جهان هستی‌اش چگونه رقم می‌خورد و این حتی در ظاهر زندگی هم نمود پیدا کند. این برنامه ثابت کرد چقدر جامعه قرآنی شاد است.



اهل دنیا، چون کاروانی هستند که آنان را می‌برند در حالی که در خواب هستند.



خبر

شماره ۱۵۲

ماهنامه

«خیمه»

منتشر شد

شماره ۱۵۲

ماهنامه

دینی فرهنگی و

مجالس حسینی

«خیمه» ویژه

اسفندماه ۱۴۰۱

میزگردی اختصاصی

با موضوع «بررسی

وضعیت شعر

«ایبنی» با حضور

اسماعیل امینی

ورضا اسماعیلی

منتشر شد. از دیگر

موضوعات این شماره،

پرونده‌ای با عنوان

«مهدویت و منجی»

و رویکرد کنکاشی در

موضوع مهدویت و

منجی در ادیان است.

تصویر اصلی این

شماره به محمدعلی

انصاری اختصاص

دارد که در گفت‌وگویی

بازگشت به

نهج البلاغه را مورد

بررسی قرار داده

است. تیترا این مطلب

«درس‌هایی برای

امروز» انتخاب شده

است.